



تکه‌ای از ماه  
**نهنگ دلتنگ**  
شعر آب  
مشق نام تو



به خوراکی‌های وارداتی  
بدون برچسب اصالت  
اعتماد نکنید  
**خارجکی‌های  
خطرناک**

چند نکته مهم که قبل از

خرید عید باید بدانیم

راستش را بخواهید،  
من همیشه افتد را  
بیشتر از ضرورت دوست  
داشتم. اسفند خیلی بیشتر  
بوی عید می‌دهد

# خوش تیپ کی بودی تو...؟!!



چند نکته مهم که قبل از خرید عید باید بدانیم

## خوش تیپ کی بودی تو...؟!!

تکتم دره‌کی | راستش را بخواهید، من همیشه اسفند را بیشتر از فروردین دوست داشتم. اسفند خیلی بیشتر بوی عید می‌دهد، هیجان‌انگیزتر است و تازه با این همه لذتی که دارد، هنوز بهار نرسیده و پا زندگی کردن در اسفند چیزی از روزهای بهار کم نمی‌شود. درست مثل عصر چهارشنبه‌ای که قرار است پنج‌شنبه و جمعه‌اش تعطیل باشیم. می‌دانید! اسفند ماهی است که ملت باید بدونند تا به پای طبیعت برسند، آخر طبیعت قرار است تغییری اساسی کند و ما هم دوست داریم از این قافله عقب نمانیم. خیلی کارهاست که مخصوص اسفند است و از روز اول خوره انجام آن کار خاص به جانمان می‌افتد. مثلاً خریدن لباس عید، این خرید کردن سنتی است که از سال‌ها قبل هم وجود داشته، برای آن که در خوش‌تیپی به پای بهار برسیم. جامعه‌شناس‌ها می‌گویند عمل کردن به سنت‌ها همیشه برای مردم لذت‌بخش است؛ مثل خرید عید، پهن کردن سفره هفت‌سین و خریدن ماهی. راهکارهایی لازم است که بتوانیم این حس لذت‌بخش را افزایش دهیم و بیشتر و بیشترش کنیم. حالا که این روزها ذهنتان مشغول تیپ عیدانه‌تان شده، خوب است قبل از اقدام چند نکته زیر را با هم مرور کنیم تا حال بهتری داشته باشیم:

### بهار برای تو

در این قسمت پیشنهادی می‌خواهم بدهم که مخصوص دلتان است و مثل لباس‌ها که دستی به سر و روی تیپ‌تان می‌کشند، این پیشنهاد دستی به سر و روی دلتان خواهد کشید. سعی کنید بخشی از پس‌انداز خودتان را برای لباس عید دیگران اختصاص دهید. حتی می‌توانید با مشارکت یکدیگر یک دست لباس ست و قشنگ بخرید و با واسطه‌های مطمئن که می‌شناسید به دست نوجوانی مثل خودتان برسانید و بهار را برایش قشنگ و گل‌گلی کنید.



### چشم و هم‌چشمی

از همین الان با خودتان قرار بگذارید که سراغ نیازهای واقعی‌تان بروید. اجازه ندهید فکرهای بچگانه چشم و هم‌چشمی سراغ شما بیاید. رقابت‌ها وقتی به چشم و هم‌چشمی می‌رسند، لذت خرید را از بین می‌برند. حواستان باشد علاوه بر رفع نیاز، شما دارید از آماده شدن برای بهار لذت می‌برید و هیچ چیزی نباید در این ماجرا دست‌وپاگیر شود. چشم و هم‌چشمی باعث می‌شود بیش از آن که به فکر خوب کردن حال خودتان باشید، به فکر بد کردن حال دیگران بیفتید. بعداً هم که فکر می‌کنید، خواهید فهمید هیچ لذتی از همراهی با بهار نبردید.



### ایرانی بخرید

الان به اندازه کافی وقت دارید که دنبال مارک‌های خوب و مرغوب و فوق‌العاده ایرانی باشید. مطمئن باشید که جوینده یابنده است. پوشاک ایرانی در خیلی از موارد توانسته است کیفیت خوبی داشته باشد و خوب است ما هم از همین حالا شروع کنیم. می‌توانید خودتان را مقید کنید که اگر مثلاً قرار است پنج‌کالای مختلف بخرید، حتماً دوتای آن را ایرانی بخرید. روحیه ایرانی بودن و وطن‌دوستی‌تان را قفل‌ک بدهید و بعد وارد بازار بشوید.

### شناخت اولویت‌ها

شاید پدر و مادر شما از آن‌هایی باشند که قبل از خرید از شما فهرستی را که تهیه کرده‌اید بخواهند و بگویند مهم‌ترین چیزهایی که لازم دارید کدام است؟! پس لازم است فهرست خود را اولویت‌بندی کنید. بعضی لباس‌ها ضروری است و اگر برخی دیگر را نداشته باشید اتفاق خاصی نمی‌افتد؛ مثلاً خریدن دمپایی برای داخل خانه واجب‌تر است از خریدن کفش مهمانی، چون همین تازگی برای عروسی یکی از فامیل کفش جدید خریده‌اید. به هر حال یک اولویت‌بندی اختصاصی انجام دهید. این کار در مرحله اول هیچ ربطی به مقدار بودجه خانواده ندارد و به این دلیل انجام می‌شود که هنگام خرید سردرگم نباشید، ممکن است بعداً با خودتان بگویید کاش این لباس را نمی‌خریدم و آن یکی را بیشتر لازم داشتم. خوبی دیگر این کار هم دقت در بودجه‌بندی خانواده است. به هر حال خانواده با پول مشخصی اقدام به خرید عید می‌کند و باید آگاهانه فهرست را نوشته و دست‌به‌جیب شویم.

### چرخه معیوب

حالا دوباره سری به کمد لباس‌تان بزنید. این بار برای آن که از موجودی‌هایتان مطلع شوید؛ مثلاً یک لباس مهمانی می‌خرید که رنگ آن قرمز است و چون هیچ چیز دیگری ندارید که با آن ست کنید در چرخه خرید کاذب می‌افتید. مجبورید همه چیزهایی را که برای درست شدن تیپ‌تان هست، بخرید. در حالی که بعداً می‌بینید در کمدتان مثلاً یکسری لباس و کفش‌هایی را که به رنگ فیروزه‌ای بخورد، داشته‌اید و آن‌ها را خیلی هم می‌پسندید، آن وقت است که می‌گویید ای کاش از آن لباس، رنگ فیروزه‌ای را انتخاب می‌کردم.

### اول دست نگره دارید

شاید خنده‌دار به نظر برسد، ولی قدم اول این است که هیچ کاری نکنید. منظورم این است که وقتی جو خرید کردن عید به راه افتاد شما بی‌گدار به بازار نزنید. اول در کمد لباس‌تان را باز کنید و یکی‌یکی و دانه‌دانه لباس‌ها را بررسی کنید. لباس‌هایی دارید که از روزی که خریده شده یا هدیه گرفتید اصلاً آن را نپوشیدید و این نشان می‌دهد که پس از این هم نخواهید پوشید، با جان و دل از خیر این لباس‌ها گذشته و آن‌ها را جدا کنید. بعضی لباس‌هایی هستند که دیگر از ریخت و قیافه افتادند و جای اضافه اشغال کرده‌اند، چون تا حالا زمان نگذاشتید برای تفکیک لباس‌هایتان، این گروه را هم خارج کنید؛ البته از بعضی لباس‌ها که خاطره خیلی خاصی دارید و قرار است یادگاری از روزهای نوجوانی نگره دارید جای خود را دارد. آن‌ها را اتو زده و کاملاً تمیز داخل کیسه پلاستیکی بگذارید و برای نگهداری مطمئن‌تر به مادرتان بسپارید. لباس‌هایی را که قرار است از خانه بیرون بروند با سلیقه مرتب کرده و بسته‌بندی کنید و برای خیره‌ها یا افراد خیری که می‌شناسید بفرستید تا زودتر به دست کسانی که لازم دارند، برسد. در بسته‌بندی و آماده کردن لباس‌های بیرون‌رفتنی حتماً احترام را رعایت کنید و اگر لباسی کثیف است حتماً آن را بشوید، به هر حال سعی کنید فرد نیازمندی که آن را دریافت می‌کند هم حس بهتری داشته و احترام شما را هم دریافت کند. با این کار اولاً کار خوب و خداپسندانه‌ای انجام دادید، علاوه بر آن کمدتان را خلوت کردید و در آخر حالا می‌توانید متوجه بشوید چه چیزهایی لازم دارید و چه چیزهایی لازم نیست. فهرستی از نیازمندی‌هایتان تهیه کنید.

از همیشه الان با خودتان  
قرار بگذارید که سراغ نیازهای  
واقعی‌تان بروید. اجازه ندهید  
فکرهای بچگانه چشم و هم‌چشمی  
سراغ شما بیاید

### هوای جیب بابا

همه پدر و مادرها آن قدر مهربان هستند که در خرید کردن، شما را مقدم بدانند و قبل از خودشان خریدهای شما را انجام بدهند، ولی خوب است که ما هم از خودمان کمی جنبه نشان بدهیم و به آن‌ها بفهمانیم هوای جیبشان را داریم. برای هر چیزی به قدر ارزش و کیفیت آن هزینه کنید و پولتان را بابت اسم و برندها خرج نکنید.



به خوراکی های وارداتی بدون برچسب اصالت اعتماد نکنید

# خارجکی های خطرناک



لایب با شنیدن نام قاچاق و قاچاقچی یاد کالاهای بد می افتید و فکر می کنید که مشکلات فقط مربوط به دنیای بزرگترهاست و ربطی به شما ندارد. باید عرض کنیم خدمتتان که متأسفانه صددرصد در اشتباه هستید و شما برویچ نوجوان و جوان به خاطر هلهوله جاتی که مصرف می کنید، یکی از قربانیان بزرگ قاچاقچیان مواد غذایی هستید. چنانچه باور ندارید و فکر می کنید که ما داریم شلوغش می کنیم و به موضوع جو می دهیم، کافی است سری به رسانه ها بزنید تا با خواندن خبرهایی در مورد خوراکی های قاچاق شرایط دستتان بیاید. یکی از جدیدترین خبرها در مورد قاچاق مواد غذایی مربوط به قاچاق آدامس های تاریخ مصرف گذشته است. ظاهراً این آدامس ها از کشور همسایه

یعنی پاکستان به وسیله عده ای قاچاقچی نسبتاً محترم وارد کشور شده و بعد به دست عده ای افراد ناقلا با تعویض بسته بندی وارد بازار می شوند. قسمت بد ماجرا این است که این آدامس ها نتهنها تقلبی هستند و تاریخ مصرفشان تمام شده است بلکه آن طوری که در رسانه ها آمده است به مواد مخدر هم آلوده هستند و درست حسابی می توانند پنبه سلامتی تان را بزنند. متأسفانه آمار درست و درمانی در مورد این که چه تعداد از آدامس های موجود در بازار قاچاق بوده و چه تعدادی هم از کانال های درست و رسمی وارد می شود، وجود ندارد، ولی به گفته رسانه ها در حوزه آرایشی و بهداشتی و غذا حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد جنس قاچاق وجود دارد.

### همه خوراکی های قاچاق را نمی توان کنترل کرد

اگر توی دارودسته برویچی هستید که فوری با شنیدن خبرهای بد و عجیب و غریب شاخ روی سرتان سبز می شود، بهتر است ادامه خبر را نخوانید، چون خود ما پس از شنیدن این که عمده فروش ها خیلی راحت به قاچاقی بودن کالاهایشان اعتراف می کنند و سازمان غذا و دارو در زمینه مواد غذایی قاچاق کار مستقیمی انجام نمی دهد، دوتا شاخ روی سرمان سبز شد. به گفته رسانه ها، سازمان غذا و دارو در ماجرای مواد غذایی قاچاق و معمولاً تاریخ گذشته در بازار، مبارزه مستقیم انجام نمی دهد؛ البته این ماجرا شامل حال مواد آرایشی و بهداشتی هم می شود و آن جا هم خبری از پیگیری مستمر یا بگیر و ببند نیست و سازمان غذا و دارو تنها در موضوع قاچاق این کالاهای نظارت های دوره ای و میدانی دارد. این حرف یعنی این که نیروهای سازمان غذا و دارو هرچند وقت یکبار به مکان های توزیع مواد غذایی سر زده و آن ها را چک می کنند و همین جا درگوشی خدمتتان بگوییم که خیلی دلتان را به این سرکشی گاهی به گاهی خوش نکنید، چون آن طوری که در رسانه ها آمده است، خود مسئولان اعتراف کرده اند که توان نظارت میدانی انسانی و منابع مالی شان کم و پایین است. این جا را باید منتظر قانون گذاران و سیاست گذاران بود که فکری به حال این موضوع کرده و به سازمان غذا و دارو با بودجه بیشتر کمک کنند.

### کالاهای برچسب دار شده اند

حتماً بعد از خواندن سطرهای بالا حسابی ترس برتان داشته و از

خودتان می پرسید حالا موقع خرید هلهوله و آدامس و شکلات چه گلی باید به سر موضوع بگیرد و چطور می توانید مطمئن باشید که با خوردن چندتا آدامس ناقابل کارتان به مصرف مواد مخدر نخواهد کشید؟! عرض شود خدمتتان که سازمان غذا و دارو برای این که شما بتوانید کالای قاچاق را از کالای سالم تشخیص بدهید، اقداماتی مانند الصاق برچسب های اصالت کالا و سامانه ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت (TTAC) برای پیگیری کالاهای قاچاق انجام داده است؛ البته این برچسب ها در حلال حاضر روی همه کالاهای موجود در بازار نصب نشده اند و فعلاً روی دارو به طور کامل انجام شده که در مبارزه با قاچاق دارو بسیار مؤثر بوده است. آن طور که مسئولان می گویند این کار در حوزه لوازم آرایشی و بهداشتی نیز انجام شده و در حوزه غذا هم کار الصاق برچسب گذاری آغاز شده که امیدوارند در سال ۱۳۹۷ در حوزه غذا و تجهیزات پزشکی به صورت کامل واردکنندگان کالاهای وارداتی ملزم به الصاق برچسب اصالت بشوند؛ البته دستورالعمل رزن برچسب اصالت روی مواد غذایی ابلاغ شده است. اما آن طور که مسئولان می گویند فعلاً پوشش آن پایین است و هنوز نمی توان به امید برچسب سلامت مواد غذایی، سالم را از ناسالم تشخیص داد.

### خودتان را تکان بدهید

با توجه به آن چه گفته شد اگر عاقل باشید با یک حساب دودوتا چهارتا متوجه می شوید که بهتر است تا کالاهای برچسب دار نشده اند، دور مواد غذایی وارداتی، به خصوص آدامس های خارجی را خط بکشید یا اگر خیلی آدامسی هستید هلهوله های مورد علاقه تان را از فروشگاه های معتبر خریداری کنید. به جز این دو پیشنهاد، گزینه سخت تری هم پیش رویتان است. آن طوری که مسئولان گفته اند اگر کمی خودتان را تکان داده و به عنوان مشتری پیگیر سلامت مواد غذایی ای که می خرید، باشید و برچسب اصالت کالایشان را چک کنید و تنها خوراکی هایی را بخرید که این برچسب را دارند، بدون شک شرکت های واردکننده و تولیدکننده مواد غذایی انگیزه بیشتری برای برچسب گذاری پیدا خواهند کرد و این موضوع زودتر انجام خواهد شد. موضوع دیگری که در حل شدن این ماجرا به شما کمک می کند این است که حساسیت اجتماعی تان را بالا ببرید و هر جا عمده فروش یا مغازه داری را دیدید که با خیال راحت جنس قاچاق فروخته و بدون مخفی کاری عرضه اش می کند، جناب عمده فروش بی خیال و سایر موارد مشابه اش را به سازمان غذا و دارو از طریق سامانه ۱۹۰ اعلام کنید. آن طور که مسئولان می گویند محل عرضه آدامس قاچاق و دیگر مواد غذایی و خوراکی قاچاقی اعلام شده از سوی مردم به سرعت شناسایی شده و با آن ها برخورد خواهد شد و به مراجع قضایی معرفی می شوند.



## تربیت بچه از خودش مهم تر است

شما نمی دانید، اما آن قدیم ها وقتی مامان و باباها بچه ای را به مکتب خانه می بردند، همان روز اول دست بچه را توی دست معلم مکتب خانه گذاشته و می گفتند گوشه تان از شما و استخوانش از ما نترسید آن جا قرار نیده سلاخ خانه یا قصابی مخصوص قیمة قورمه کردن دانش آموزان باشد، ولی والدین محترم با گفتن این حرف به معلم حالی می کردند که حسابی بهش اعتماد دارند و اختیار بچه شان را به او سپرده اند و از آن طرف هم چون جناب معلم ها معتقد بودند تربیت بچه از خودش مهم تر است، جواز هرگونه رفتاری را با دانش آموز برای خود صادر می کردند و به همین خاطر مامان باباها به همین که آخر سال استخوان های بچه شان را تحویل بگیرند، راضی بوده و می دانستند هر چه در طول سال تحصیلی سر طفل مذکور آمده برای درخشش او در آینده لازم بوده است. در دوره و زمانه ما نه این که وضعیت به این شیر توشیری باشد، ولی والدین هم چنان درست به مدارس اعتماد داشته و هم چنان به دود چرغ خوردن در زمان تحصیل معتقد بودند و به همین خاطر اصلاً با چیزی به عنوان آزار آموزشی آشنایی ندارند و اصلاً تصور نمی کنند که چنین مقوله ای هم وجود دارد.

## مدارس چطور دانش آموزان می شوند؟

در تقسیم بندی کودکان آزاری، معروف ترین و وحشتناک ترین مورد، کودکان آزاری جنسی است که نتهنها پدر و مادرها بلکه معلم ها و مسئولان و خلاصه هر آدم سالمی در مخالفت و مقابله با آن، لحظه ای هم معطل نمی کند، اما آن طوری که کارشناسان می گویند سه نوع دیگر از کودکان آزاری وجود دارد که در مدارس تجربه شده یا می شود و متأسفانه خانواده ها و مسئولان چندان به آن حساس نیستند.

عرض شود خدمتتان که کودکان آزاری شماره دو، کودکان آزاری جسمی یا همان کتک خودمان است و معمولاً در یک ماجرای زدوخوردی، کودک بخت برگشته از سوی بزرگسالان گوشمالی داده می شود. باز هم اگر به گذشته برگردید به خاطر همان تفکری که در باره اش کمی بالاتر گپ زدیم سال های سال، ترکه، شلنگ یا خط کش چوبی و حتی فلزی جزو ابزار نوستالژی معلم ها بود که بی پرواگرد در کلاس همراه داشتند و اصلاً اگر معلمی از چنین ابزاری برای تربیت برویچ دانش آموز استفاده نمی کرد، در چشم همکاران و والدین معلم سوسول و به دردخور دیده می شد و بر همین اساس کودکان بی پناه تا تقی به توقی می خورد به هر علتی از نمره کم تا نبردن تکلیف شب و حرف زدن در کلاس و حتی نگاه کج کردن به در و دیوار باید مدام کتک می خوردند.

خوشبختانه در دوره و زمانه ما چندان این نوع برخورد مورد تأیید نیست، هر چند هنوز مدیران و معلم هایی پیدا می شوند که معتقدند دانش آموزهای شرور تنها با کتک آدم می شوند، اما دیگر نه سیستم آموزش و پرورش و نه والدین این موضوع را تأیید نمی کنند و حتی مورد های خشن را پیگیری قضایی هم می کنند.

### کارگاه شعر «هشت»

# برای جهان شعر بگو...!

مهدی آخرتی | سلام به شاعران و ادیبان نوجوان کشورم، «سعدی» ها، «حافظ» ها، «سهراب» ها، «ملک الشعرای» های آینده، شمایی که پاسدار زبان و فرهنگ فارسی هستید. ادبیات در ساختن و حفظ فرهنگ نقش بسیار پررنگی دارد، سعی کنیم از زبان و ادبیات فارسی پاسداری کنیم تا فرهنگمان باقی بماند و بی هویت نشویم. جلسه قبل در مورد «تأویل متن» حرف زدیم؛ گفتیم که شعر ی بهتر است که معنای بیشتری داشته باشد. این جلسه هم چند نکته درباره تأویل متن برایتان خواهیم گفت. امیدوارم به دردتان بخورد و بتوانید. بیشترین استفاده را از این نکته ها ببرید.



## آموزش می‌تواند روحان را بچود



به گفته کارشناسان نوع سوم کودکان آزاری، کودک‌آزاری روحی است. این اتفاق معمولاً با به کار بردن الفاظ زشت یا سرزنش و تحقیر بروی در مدارس انجام می‌شود. گاه موارد آزار روحی آن‌قدر زیروستی و مخفی هستند که باعث‌ویانی ماجرا خودش هم خیلی متوجه نمی‌شود که با یک نگاه خشن یا دست انداختن کودک مقابل همکلاسی‌هایش و گاه با پرسیدن یک سؤال مقابل سایر بچه‌ها ممکن است آزار روحی قرار بگیرد. متأسفانه کودکان آزاری روحی در حال حاضر در نظام همین خاطر مورد آزار روحی قرار بگیرد. متأسفانه کودکان آزاری روحی در حال حاضر در نظام آموزشی ما وجود دارد و حتماً شما هم در طول این سال‌های تحصیلتان متوجه آن بوده‌اید و با این‌که قوانین و بخش‌نامه‌هایی هم در این مورد وجود دارد، اما با درصد بالا در مدارس اتفاق می‌افتد و کمتر کسی متوجه عوارض ویرانگر این نوع از کودک‌آزاری در ساختار شخصیتی ماست.



## آموزش می‌تواند مرض‌دار بشود

نوع چهارم از کودک‌آزاری که بسیار کمتر از موارد دیگر در موردش صحبت می‌شود، کودک‌آزاری نوع هم دارد: نوع اول به مواردی گفته می‌شود که کودک از آموزش محروم شده است. در تأمین شرایط تحصیل فرزندانشان را وظیفه خودشان می‌دانند، اما نوع دوم از کودک‌آزاری طرف خانواده‌ها و مسئولان هم حمایت می‌شود و آن‌ها هر روز به آن قدرت بیشتری برای عرض اندام می‌دهند. متأسفانه دموکراسی عریض و طولی هم دارد و از مدرسه و مسئولانش تا جزو لشکر پنهانش شده‌اند. کتاب‌های کمک‌آموزشی، تست‌های عجیب‌وغریب و آزمون‌های همگی به‌طور گرویی در طول سال تحصیلی با بمباران مخ دانش‌آموزان و بر کردنش از مطالب برای خودمان و آینده‌مان است. نتیجه این ماجرا این می‌شود که ما می‌گوییم همه این‌ها با آموزش مورد غیبر ضروری درگیر شده و سرآخ‌به‌خاطر تحمل فشار و استرس بالا پزمرده و پربشان از مدارس فارغ‌التحصیل می‌شویم.



## به فکر خودتان باشید

فکر می‌کنیم از ابتدای مطلب این بار هزارم است که داریم ابراز تأسف می‌کنیم و نچنج، وای‌وای راه انداخته‌ایم، به همین خاطر در پایان گزارش به جای ابراز تأسف مجدد خدمت شما عرض می‌کنیم از آن جایی که آثار آزار روحی و آموزشی مانند آثار آزار بدنی مشخص نیست و سال‌ها طول می‌کشد تا والدین و مسئولان متوجه شوند چه سر ما آورده‌اند، خودتان دست‌به‌کار شده و تا دیر نشده فکری به حال‌وروزتان نکنید. اولین راهش هم این است که این فشارها را نپذیرفته و بایشان با والدین و معلمان و مسئولان مدرسه گفت‌وگو کنید و به جای هشتگ لاکچری کمی هم دنبال هشتگی مثل نه به آزار آموزشی بروید و با مطالبه درست، حق‌تان را دریافت کنید. از ما گفتن بود، نگید نگفتید!

## درباره پدیده‌های به نام «آزار آموزشی»

# داغون نشی‌یه موقع...!

فاطمه نیک | مدرسه همیشه به عنوان خانه دوم ما معرفی شده است و این اسم به این معنی بوده که آن‌جا هم قرار است به اندازه خانه‌هایمان بر ایمان محل امن و امانی باشد و ما در آن‌جا یا خیال راحت و توی یک وضعیت شیک و مجلسی ساعت‌ها را بگذرانیم و به حقوق مهمی مثل تحصیل و بازی و رشد در زمینه‌های خلاقانه و هنری دست پیدا کنیم. خلاصه این‌که اسمش را گذاشته‌اند خانه دوم تا راست‌راستی جزئی از خانه و خانواده ما باشد. اما همان‌طور که گاه خانه و خانواده‌ای پیدا می‌شود که صدبرابر یک غریبه باعث دردسر و آزار و اذیتان می‌شوند، مدارس هم می‌توانند باعث‌ویانی آزار و اذیت ما باشند.



کتاب‌های کمک‌آموزشی، تست‌های عجیب‌وغریب و آزمون‌های پشت‌پرده و محصولات کمک‌درس همه‌همه قسمتی از ابزار این نوع آزار آموزشی هستند

### کنایه و تأویل

یکی دیگر از آرایه‌هایی که شعر را چندمعنایی می‌کند، «کنایه» است. کنایه یعنی این که جمله‌ای بگوییم که دو معنا داشته باشد؛ یکی معنای نزدیک که همه متوجه می‌شوند و دیگری معنای دورتر که باید کمی فکر کرد تا به آن رسید. فرق کنایه با ایهام این است که کنایه در حد جمله مطرح می‌شود و ایهام در سطح کلمه؛ یعنی کنایه دو معنا بودن یک جمله است. فرق دیگرش این است که معنی کنایه را سخت‌تر از ایهام متوجه می‌شویم، چون ایهام‌ها در چند کلمه رایج است، اما کنایه می‌تواند شکل‌های زیادی داشته باشد. اتفاقاً به همین دلیل، کنایه برای تأویل‌پذیر کردن شعر، بهتر از ایهام است:

من تفنگم در مشت

کوله‌بارم بر پشت

بند پوتینم را محکم می‌بندم.

«بند پوتینم را محکم می‌بندم» کنایه از این است که تصمیم راسخی برای رفتن به جبهه گرفته‌ام.

بد است خاطر‌هایی که از دلم دارم

ولی چگونه خودم را کنار بگذارم؟

سکوت خود کثی حرف‌های گفتنی است

یکی رسید و لبالب، لبان ما را بست

میاد در دل نی‌ها سکوت لانه کند

به روی دسته تار عنکبوت لانه کند

گلایه از تو ندارم، خودم کمی گیجم

به درد زخم نخوردم، که مرهمی گیجم

درون کوچه بن‌بست یک‌نفر مرده‌ست

یکی، دو پیرهنی از تو بیشتر مرده‌ست

«یکی، دو پیرهنی از تو بیشتر مردن» کنایه است از این که در امر تلخ تجربه بیشتری دارد یا «به روی دسته تار عنکبوت لانه کند» کنایه از «از بین رفتن شادی‌هاست».

وقتی داریم این کنایه‌ها را به کار می‌بریم، در حقیقت داریم معنای دیگری هم به معنای اصلی جمله و شعر اضافه می‌کنیم و این چیزی نیست جز تأویل‌پذیری!

### ایهام و هرمنوتیک

خب، حالا می‌رویم سراغ سوآلی که جلسه پیش طرح کردیم: چه کار کنیم شعرمان معناهای بیشتری داشته باشد؟ گفتیم یکی از این تکنیک‌ها، تشبیه است. ما با تشبیه می‌توانیم معناهای کلمه یا جمله‌ای را بیشتر کنیم، ولی یکی دیگر از تکنیک‌هایی که برای تأویل‌پذیر شدن شعر به کار می‌بریم، ایهام است (ایهام به تناسب هم مثل ایهام است). وقتی کلمه‌ای را با ایهام به کار می‌بریم، دو معنی برای آن ایجاد می‌کنیم؛ یکی معنای اولیه و دیگری معنای دورتر. مخاطب ممکن است معنای دورتر را بفهمد یا همان معنای اولیه را متوجه بشود. خودِ دومعنایی شدن، یعنی تأویل‌پذیر شدن! مثلاً:

در آیین

وقتی مویم را در باد مرتب می‌کردم

حادنه موی سفید با من تضادف کرد

شانه‌ام شکست...

در این‌جا «شانه» هم به معنای کتف می‌تواند باشد، هم به معنای شانه سر. خوب وقتی به معنی کتف بخوانیم از متن یک برداشت یا تأویل داریم، وقتی به معنای وسیله‌ای برای مرتب کردن مو بخوانیم، معنای دیگر.

یا مثال معروف ایهام:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت

آهو بچه کرد و رو به آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر

دیدي که چگونه گور بهرام گرفت

اگر «گور» را به معنای آهو بگیریم، شعر یک معنا می‌دهد و اگر به معنای قبر و مرگ بدانیم، یک معنای دیگر. پس ایهام می‌تواند شعر را دارای معناهای بیشتری بکند.



### تمرین در خانه

شاید خیلی از آرایه‌های دیگر هم منجر به گسترش معنا بشود که لازم نیست همه آن‌ها را نام ببریم. برای این که به تأویل شعر کلاسیک هم مسلط شوید، در خانه چند شعر کلاسیک برای خودتان معنا کنید؛ مثلاً این چند بیت از شعر حافظ را برای خودتان غیر از چیزی که در مدرسه یاد گرفتید معنا کنید:

دل می‌رود ز دستم، صاحب‌دلان خدا را! / دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

کشتی‌شکستگانیم، ای باد شرطه! / باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون / نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

ای صاحب کرامت! شکرانه سلامت / روزی تقفدی کن درویش بی‌نوا را

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا

### جهان، متن شاعر است

اگر راستش را بخواهید، تأویل متن فقط مربوط به متن نمی‌شود؛ هرمنوتیک در خیلی قسمت‌های زندگی استفاده می‌شود. اصلاً هر بار که ما به جهان نگاه می‌کنیم، داریم آن را «تأویل» می‌کنیم. وقتی به پرندهای که روی درخت نشسته است نگاه می‌کنیم، برای خودمان تصور می‌کنیم که او از کجا آمده است و به کجا می‌رود، می‌بینیم بالش گلی است و حدس می‌زنیم که احتمالاً زیر باران بوده است. همین حدس زدن‌ها، فرض کردن‌ها، استنتاج‌ها و... قسمتی از هرمنوتیک هستند؛ مثلاً وقتی روی مجله، عکسی از سرباز می‌بینیم که دارد به پرچم مقدس ایران احترام می‌گذارد، کلی معنی از آن درمی‌آوریم یا وقتی فیلم می‌بینیم کلی حدس می‌زنیم و آخر فیلم را پیش‌بینی می‌کنیم و در موردش برای دیگران توضیح می‌دهیم. این‌ها همه می‌توانند در حیطه تأویل باشند. با این توضیحات می‌توانیم بگوییم که جهان مثل «متن» است که ما همیشه در حال تأویل کردن آن هستیم. خیلی وقت‌ها از آن معنی‌های جدید درمی‌آوریم و لذت می‌بریم. کشف‌های جدید در علوم، اختراعات جدید، همه نوعی «تأویل» از جهان هستی هستند. اجزای این متن خیلی چیزها می‌توانند باشند؛ درخت‌ها، خورشید، ماشین‌ها، ساختمان‌ها، انسان‌ها، پرند‌ها، دریاها، صحراها و... همه این‌ها مثل کلمه‌هایی هستند که کنار هم چیده شده‌اند و ما آن‌ها را معنی می‌کنیم. یا این توضیح، وقتی شاعر دارد شعر می‌گوید، در اصل دارد مثل بقیه انسان‌ها جهان را تأویل می‌کند، اما شاعر تأویلش را روی کاغذ می‌نویسد و به ما می‌دهد تا ما هم با آن آشنا بشویم. پس شعر تأویلی از جهان است که متنی بزرگ و بی‌پایه است. مثلاً شعر «اخوان»:

هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان

نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین

درختان اسکلت‌های بلور آجین

زمین دل‌مرده، سقف آسمان کوتاه

غبار آلوده مهر و ماه

زمستان است.

این تصویرها، این که درخت‌ها در زمستان اسکلت‌هایی هستند که به آن‌ها بلور وصل کرده‌اند، تأویل اخوان از زمستان است. شاید تأویل ما این باشد که درخت‌ها لحاف به سر کشیده‌اند یا خنجر در دست دارند!

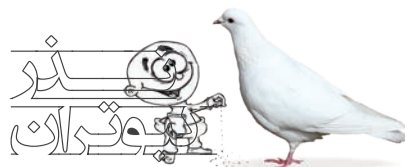
# “

شاید خیلی از آرایه‌های دیگر هم منجر به گسترش معنا بشود که لازم نیست همه آن‌ها را نام ببریم. برای این که به تأویل شعر کلاسیک هم مسلط شوید، در خانه چند شعر کلاسیک برای خودتان معنا کنید؛ مثلاً این چند بیت از شعر حافظ را برای خودتان غیر از چیزی که در مدرسه یاد گرفتید معنا کنید:

# “

اگر راستش را بخواهید، تأویل متن فقط مربوط به متن نمی‌شود؛ هرمنوتیک در خیلی قسمت‌های زندگی استفاده می‌شود. اصلاً هر بار که ما به جهان نگاه می‌کنیم، داریم آن را «تأویل» می‌کنیم.





# نمایشگاه



جشنواره مجسمه‌های برفی در ارتفاعات اولنگ شهرستان رامیان استان گلستان برگزار شد.

## هدیه‌های هشتاپه‌ها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.  
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

### عاشقانه

تا ببینم رخ او را بدنم می‌لرزد  
ابر و باد و مه و خورشید تنم می‌لرزد  
تا که از بین خیالات سرم می‌گذرد  
کل افکار و خیالات سرم می‌لرزد  
\*\*\*  
بوی عطر سخت مست کند گل‌ها را  
جوی آبی که تر و تازه کند صحرا را  
تا که یک قطره لبخند می‌افتد ز لب  
ناگه از یاد برم خاطره دنیا را

محمد رضا پودبند، عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره یک مشهد



### نهنگ دلتنگ

نیستی  
و من نهنگی که دلتنگ حوض است...  
بیدی در آرزوی گلدان  
و اناری که در تابستان ترک برداشته...  
بیا فکر کن؛  
به بره‌ای که گله‌اش را گم کرده است  
به خرسی که در پاییز از خواب بیدار شده  
به بادبادکی که نخش را رها کرده‌اند...  
بیا به من فکر کن  
دستم را بگیر  
و ادامه این راه را  
خودت نشانم بده...  
مژده مقیسه، عضو نوجوان انجمن ادبی آفتاب کانون پرورش فکری خراسان رضوی



گاهی به خاطر داشته باش...

## مشق نام تو



می‌روی  
موج به موج  
دریا هم چنان  
بر ماسه‌ها  
نامت را مشق می‌کند  
می‌روی  
اما  
در من چیزی کاشتی  
که اگر جوانه بزند  
جهان را  
یکسره  
داسی می‌کند بر تنم  
امیر حسین واعظ، عضو انجمن ادبی آفتاب  
کانون پرورش فکری خراسان رضوی

## شعر آب

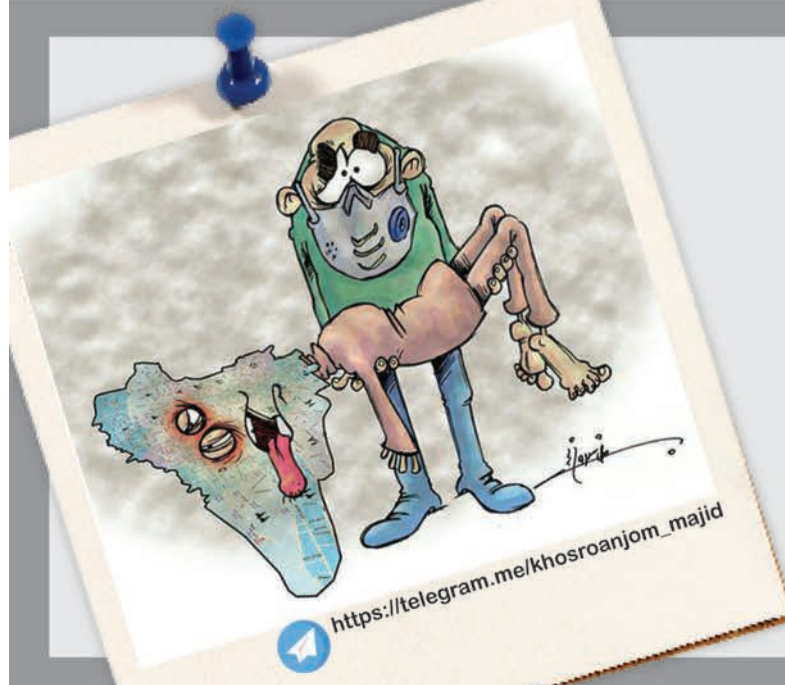


آب  
مثل یک چراغ روشن است  
مثل یک ستاره در شب سیاه  
مثل نور ماه  
...  
آب  
هر چقدر کم  
مثل شبنمی است روی گل  
چه بی نظیر  
آب  
پاک و مهربان  
زلال و عاشق است  
عشق آب بر زمین  
مثل رود می‌شود  
زنده می‌کند  
سبز می‌شود  
...  
عشق من به آب  
حفظ می‌کند  
حریم و قدر آب را  
زندگی و زنده بودن درخت و خاک و کوه را  
...  
عشق آب بر درخت  
مثل برگ می‌شود  
سایه می‌دهد  
نیاز می‌شود  
صبا صباغ، عضو نوجوان کانون پرورش فکری شماره سه مشهد

بعضی‌ها فکر می‌کنند که باید فقط زیبایی‌های دنیا را به بچه‌ها نشان داد؛ البته منظورم از بچه‌ها گروه سنی کودک نیست، منظورم نوجوان‌هاست، همین خود تو. شاید پدر و مادر یا معلم‌ها بگویند که باید فقط از زیبایی‌ها برایت صحبت کنند، طوری که انگار دنیا اصلاً زشتی ندارد. اسم این وضعیت را می‌گذارم: «دنیای گل و بلبل». اما خوب هم تو خیلی خوب می‌دانی، هم من که دنیای ما دنیای گل و بلبل نیست، سختی دارد، قشنگی دارد، زشتی دارد، شادی دارد، غم دارد و کلی چیزهای متضاد دیگر. هدفم؟ خوب، هدفم به اشتراک گذاشتن عکس غمناکی با تو است، اما نه از عکس‌هایی که خبری‌ترند و این روزها همه‌جا می‌بینی و همه هم راجع بهش ابراز تأسف می‌کنند.  
عکسی که به تو نشان می‌دهم، مربوط به حدود دو دهه پیش است؛ سال ۱۹۹۳ میلادی و دقیقاً ۲۶ مارس ۱۹۹۳. در این عکس که به وسیله عکاسی به اسم «کویین کارتر» ثبت شده، ما بچه‌های را می‌بینیم، خوب از روی عکس که نمی‌توانیم به جنسیت او پی ببریم، اما شواهد به ما می‌گویند که این بچه یک دختر است؛ دختر بچه‌های سودانی. بیشتر که نگاهش کنی، آثار سوء تغذیه را در او می‌بینی. پس او یک دختر قحطی‌زده سودانی است. کمی آن‌سوتر گروهی از مردم کمک‌های غذایی سازمان ملل را که عمدتاً شامل جو است، دریافت می‌کنند. حضور مرگ را کنار دخترک احساس می‌کنی؟ می‌توانی درک کنی که دخترک در چه وضعیت سختی قرار دارد؟ از یک طرف گرسنگی، از یک طرف خستگی، آن قدر که نمی‌تواند مثل بقیه برای دریافت غذا به سوی هواپیمای سازمان ملل برود و از طرف دیگر خطر مرگ، اما نه مرگی بر اثر سوء تغذیه بلکه به خاطر حضور کرکس گرسنه. نه! اصلاً هدفم ناراحت کردن تو نیست! فقط این‌که گاهی که زیاده‌خواه می‌شوی به خاطر داشته باش که در دنیا آدم‌هایی مثل این دخترک کم نیستند.

## سرو

وقتی به تو نگاه می‌کنم  
انگار دارم به سروی می‌نگرم  
که پشت سیم‌های خاردار زندانی است  
چه فایده که نامت  
سرو آزاد باشد  
و  
آزاد نباشی  
لیلا جوان، عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره هفت مشهد



بهبونه واسه درس نخوتدن در ثریا باشد، دانشجویانی از سرزمین پارس به آن دست خواهند یافت.  
##خیل خان  
واقعا آب مایه حیاته، چون اگه نبود نمی‌تونستیم چایی درست کنیم.  
##خیل خان  
شجاعت یعنی رهایی از چیزهایی که نمی‌تونی تغییر بدی.  
##استاد بزرگ  
یاد تونه معلم یکی رو صدا می‌زد بعد که طرف بلند می‌شد می‌گفت، «تو نه. پشت سرت؟» من همیشه اون پشت سریه بودم. حتی یک‌بار میز اول نشستم، معلم کلاس بغلی میز آخرشونو صدا زد، منو بردن جواب بدم.  
##آقای همساده

من قیافه‌ام یه جوریه که وقتی وارد حوزه امتحان می‌شم قبل از این که بشنیم روی صندلیم، مراقب می‌گم که جاتو عوض کن.  
##آقای همساده  
سه واژه مسیر موفقیت را نابود می‌کند، نمی‌دانم نمی‌توانم نمی‌شود. و سه واژه کنار هم معجزه می‌کند، بله من می‌توانم.  
##استاد بزرگ  
بچه که بودم ته آرزو هام ده‌تا بادکنک رنگی رنگی بود، بزرگ که شدم ته آرزو هام اینه که دوباره بچه بشم و یه عمر تو حسرت ده‌تا بادکنک رنگی رنگی بمونم.  
##شاعر تنها

